

### ۳۵ کیلو تریاک جاسازی شده در پراید لورفت

فرمانده انتظامی شهرستان «نی ریز» از توقیف یک دستگاه پراید و کشف ۳۵ کیلوگرم تریاک در بازرسی از آن خبر داد. سرهنگ «سید خالد یوسفی» گفت: ماموران انتظامی این شهرستان هنگام کنترل محور موصلاتی، به یک دستگاه پراید که در جاده های خلکی در حال تردد بود متظون و آن را متوقف کردند.

### کشف بیش از ۴۰ رأس دام سرقتی در فیروزآباد

فرمانده انتظامی فیروزآباد از کشف ۴۴ رأس احشام مسروقه در آن شهرستان خبر داد. سرهنگ مهدی جوکار فرمانده انتظامی فیروزآباد بیان کرد: ماموران پلیس آگاهی از وقوع سرقت احشام در بخش علامرودشت شهرستان لامرد و فرار سارقان به سمت شهرستان فیروزآباد مطلع و شناسایی و دستگیری متهمان را به صورت ویژه در دستور کار خود قرار دادند.

### سپاه راز یک زن در فرودگاه کیش را فاش کرد!

سپاه فرودگاه کیش محموله سکه‌های قیمتی و تاریخی را کشف و توقیف کرد. فرمانده یگان حفاظت فرودگاه بین المللی کیش گفت: تعداد ۶۷ قطعه انواع سکه تاریخی از مسافر خانمی که قصد داشت سکه‌ها را از کشور به دبی و سپس به آمریکا قاچاق کند، کشف و توقیف شد. علی عامری زاده افزود: این فرد که به شکل ماهرانه‌ای این تعداد سکه را در آلبومی خاص جاساز کرده بود قبل از

تصمیم نهایی برای قاچاق محموله خود، سه مرتبه به کیش سفر کرده و با شناسایی موقعیت برای بار آخر دست به این کار زد که توسط بانوان کنترل فیزیکی سپاه فرودگاه کیش شناسایی و دستگیر شد. عامری در خصوص قدمت این سکه‌ها گفت: این سکه‌ها مربوط به دوره‌های



### قتل همسر در اتاق ملاقات شرعی زندان

مرد زندانی همسرش را در اتاق ملاقات شرعی زندان قزل‌حصار کرج با چاقوی دست‌ساز به قتل رساند. متهم ۳۳ساله که جمشید نام دارد و با عفو از مجازات اعدام به ۳۰سال زندان محکوم شده بود مدعی است به خاطر نفرتی که از همسرش داشته مرتکب جنایت شده است.

به گزارش خبرنگار جوان آنلاین، بررسی پرونده‌های قتل‌های خانوادگی حکایت از این دارد که ریشه بیشتر این حوادث اختلافات خانوادگی بین زن و شوهر است که گاهی آنقدر این اختلافات ادامه پیدا می‌کند که عشق و صمیمیت جای خودش را به خشم و نفرت می‌دهد به طوری که در نهایت زن یا شوهر برای فرار از این زندگی سراسر درگیری به اشتباه تصمیم به حذف یکدیگر می‌گیرند. قتل زن جوان در زندان به دست همسر زندانی‌اش تازه‌ترین پرونده قتلی است که حکایت از این دارد مرد زندانی به خاطر نفرتی که از همسرش داشته است تصمیم می‌گیرد او را به بهانه ملاقات به زندان بکشاند و او را به قتل برساند.

روز چهارشنبه ۲۱ فروردین‌ماه قاضی دشتیان، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مسئولان زندان قزل‌حصار کرج از قتل زن جوانی بسا خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی پایتخت در محل حادثه که اتاق ملاقات شرعی زندان بود با جسد خونین زن ۳۰ساله‌ای به نام سوسن روبه‌رو شدند که با اصابت ضربات جسم نوک تیزی به شکم و گردن به قتل رسیده بود.

نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول چند ساعت قبل برای ملاقات شوهر زندانی‌اش به زندان آمده و ساعت ۱۰:۳۰ همراه شوهرش به اتاق شرعی می‌رود و داخل اتاق ملاقات به دست شوهر قتل می‌رسد. همچنین مشخص شد شوهر متقول پس از حادثه خودش را با بند

نخستین بررسی‌ها نشان داد مقتول چند ساعت قبل برای ملاقات شوهر زندانی‌اش به زندان آمده و ساعت ۱۰:۳۰ همراه شوهرش به اتاق شرعی می‌رود و داخل اتاق ملاقات به دست شوهر قتل می‌رسد. همچنین مشخص شد شوهر متقول پس از حادثه خودش را با بند

متقول پس از حادثه خودش را با بند



مهم‌مرد دختر خاله‌ام بود و سال ۸۳ با هم ازدواج کردیم و الان یک پسر ۱۰ ساله داریم.

چرا او را به قتل رساندی؟ از همان ابتدای ازدواج از همسرم خوشم نمی‌آمد و با هم اختلاف داشتیم. وقتی به زندان افتادم از همسرم خواسته بودم درخواست طلاق بدهد، اما او قبول نکرد که نقشه قتل او را طراحی و اجرا کردم.

فقط به همین دلیل؟ نه، از او نفرت هم داشتیم به طوری که دوست نداشتم اسمش در شناسنامه‌ام باشد. چرا؟ وقتی به زندان افتادم به من توجهی نمی‌کرد و به حرف‌هایم عمل نمی‌کرد به طوری که رفتارش خسته شده بودم. بیشتر توضیح بده؟

اول از همه اینکه برادرش در جرم من شریک بود، اما او را لو ندادم و انتظار داشتم او و همسرم بیشتر مرا درک کنند. دوست داشتم به دنبال کار من باشند و برای آزادی‌ام تلاش کنند، اما همسرم بدون اجازه من برای ادامه زندگی به شهرستان و نزد خانواده‌اش رفت. او حتی به ملاقات من هم نمی‌آمد و آخرین بار قبل از حادثه آذر سال قبل بود که ملاقاتم آمد و فکر کنم خانواده‌اش به او اجازه نمی‌دادند به ملاقاتم بیاید. همه این موارد باعث شد که از او نفرت

### احمقانه ترین درخواست طلاق در سال ۹۸ مرد جوان خجالت کشید به دادگاه خانواده برود!

مخالفتی جنجال به پا و تا مدتی با من قهر و اوضاع را به کام خودش و من و فرزنداتم تلخ می‌کرد. این رفتارهای بیجانانه و چشم و چشمی های همسرم ادامه داشت تا این که خرید شب عید از راه رسید و با وجود این که با خرید لباس مشکلی نداشتم اما به شدت با خرید آجیل گران قیمت مخالف بودم، برای همین من و اکثر اقربا فامیل تصمیم گرفتیم آجیل و تنقلات نخریم. با این که همسرم در این باره سکوت کرد و چیزی نگفت اما موقع تحویل سسال پایش را در یک کفش کرد که باید آجیل، آن هم از نوع گران‌ش، بخریم تا او زمان پذیرایی، فامیل را غافلگیر کند اما من این بار سرسختانه جلوش ایستادم. به خاطر این اتفاق قهر و بی محلی های همسرم شروع شد و ایام تعطیلات را به ما زهر کرد. به هر حال با هر شرایطی بود تعطیلات نوروز تمام شد و اصلا فکرش را هم نمی‌کردم که همسرم

### راز پلید دفتر خاطرات سیمین عروس ۱۵ ساله لورفت

زمانی که در فضای مجازی پرسه می‌زدم با یک زن مطلقه ساکن جنوب کشور آشنا شدم. این ارتباط اینترنتی به جایی رسید که دیوانه وار به آن زن علاقه مند شده بودم و برای دیدارش لحظه شماری می‌کردم چرا که تصویر چهره او در شبکه های اجتماعی بسیار زیبا بود. شب و روز فقط به رها می‌اندیشیدم اما او برای یک ملاقات حضوری همواره مرا سرکار می‌گذاشت و مدارم از من می‌خواست برایش پول بفرستم. من هم دارو ندارم را به حساب می‌ریختم تا این که یک روز سوار بر اتوبوس او را به شدت کتک زدم چرا که نمی‌خواستم متوجه ارتباط من و رها شوم! او هم بعد از این ماجرا منزل را به حالت قهر ترک کرد و به خانه مادرش رفت ولی در خلوت خود فهمیدم که در حق همسرم ظلم کرده ام و بازبچه یک زن مطلقه قرار گرفته ام درحالی که تصویر او در شبکه های اجتماعی نیز تصویر واقعی اش نبود. شایان ذکر است، به دستور سروان ولیان (رئیس کلانتری پنچتن) چندین جلسه مشاوره برای این زوج جوان در کلانتری برگزار شد که در نهایت سیمین خطای نامزدش را بخشید و از شکایت خود صرف نظر کرد.

متوجه شویم که در حق همسرم ظلم کرده ام و بازبچه یک زن مطلقه قرار گرفته ام درحالی که تصویر او در شبکه های اجتماعی نیز تصویر واقعی اش نبود.

### قتل هولناک شوهر؛ به بهانه «جادوگری»



زن و مرد غریبه ای با آشنایی در شبکه های اجتماعی و برای رسیدن به اهداف پلید خود، شوهر زن جوان را در مشهد به طرز وحشتناکی با بهانه «جادوگری» به قتل رساندند.

پانزدهم دی سال گذشته، جسد سوخته ای در یک کارگاه مخروبه و در فاصله ۵ کیلومتری جاده مشهد - سرخس کشف شد که بلافاصله با حضور شبانه قاضی ویژه قتل عمد مشهد در محل مذکور، تحقیقات در این باره ادامه یافت. با پیدا شدن کارت های شناسایی نیمه سوخته، هویت مرد ۴۷ ساله به نام ناصر مشخص شد و بدین ترتیب با دستور سرهنگ کارآگاه حسین بیات مختاری (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) گروه ویژه ای از کارآگاهان اداره جنایی عملیات تخصصی خود را برای کشف راز این جنایت وحشتناک آغاز کردند. گروهی از کارآگاهان در یک شاخه اطلاعاتی، خانواده مقتول را که در بولوار صیاد شیرازی سکونت داشتند شناسایی کردند و اولین مرحله از تحقیقات سری با راهنمایی های قاضی کاظم میرزایی از همسر ناصر ادامه یافت. اظهارات این زن ۳۷ ساله در حالی حیرت کارآگاهان را برانگیخت که او سعی داشت مرگ شوهرش را به باندهای تبهکاران خطرناک عتیقه و دلار نسبت دهد. این زن که مدعی بود همسرش گوشه تلفن مخفی داشت که همه از آن بی اطلاع بودند در بازجویی های فنی به کارآگاه حمید فر (افسر پرونده) گفت: همسرم مدام به ما تذکر می داد که مواظب خودمان باشیم چرا که او در زمینه خرید و فروش عتیقه و زیرخاکی فعالیت می کرد و با باندهای تبهکاری در ارتباط بود! با وجود این بررسی های غیرمحسوس کارآگاهان که با استفاده از تجربیات ارزنده قاضی میرزایی صورت می گرفت، از سرخ ه های حکایت داشت که در روز حادثه، تماس های تلفنی زیادی بین سارا و ناصر برقرار شده است. در همین حال سارا به گروه ویژه کارآگاهان که زیر نظر مستقیم سرهنگ غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی) فعالیت می کردند، گفت: همسرم قرار بود برای انجام معاملات عتیقه به تهران برود او را تا میدان آزادی رساندم و

آنجا پیاده شد تا خودش به پایانه مسافربری برود و من هم برای آنکه مطمئن شوم او سوار اتوبوس شده است مدام با او در تماس بودم! بنا بر گزارش خراسان، با توجه به اینکه اظهارات سارا قانع کننده نبود، کارآگاهان از او خواستند روز بعد به اتفاق فرزندانش به پلیس آگاهی بیاید اما او دیگر ناپدید شد و به مکان نامعلومی گریخت!

با فرار مظنون پرونده، شیوه تحقیقات تغییر کرد و این گونه بود که کارآگاهان با بررسی سرخ های موجود به اسنادی دست یافتند که نشان از ارتباط سارا با جوان غریبه ای به نام علی داشت. بالاخره سررشته این تحقیقات گسترده به منطقه یافت آباد تهران کشید جایی که احتمال می رفت سارا و علی در آنجا مخفی شده باشند بنابراین گروهی از کارآگاهان با صدور نایب قضایی از سوسوی قاضی میرزایی و به سرپرستی سرهنگ سلطانین (رئیس دایره قتل عمد) وارد عمل شدند و شاخه ای از گروه ویژه عملیات پنج شبانه گذشته به تهران رفتند و روز بعد تحقیقات پنهانی خود را ادامه دادند تا اینکه سارا را در منطقه ای از یافت آباد شناسایی کردند و با تعقیب غیرمحسوس از محل اختفای «علی» دست یافتند.

کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی که وارد عملیاتی شبانه شده بودند در اقدامی ضربتی و غافلگیرانه، سارا و علی را در یک واحد آپارتمانی به دام انداختند و به مشهد انتقال دادند. این دو متهم که روز گذشته با دستور قاضی میرزایی مورد بازجویی های تخصصی قرار گرفتند به ناچار لب به اعتراف